

گزارش

پول نقد فراوان؛ تکیه گاه اصلی قذافی

■ گزارش‌ها حاکی از آن است که قذافی ده‌ها میلیارد دلار را در قالب پول‌های گوناگون در اقامتگاه باب‌الغزیز به در طرابلس ذخیره کرده است تا به وسیله آنها به ۲۵ هزار مزدور خود بپاچ دهد. روزنامه فیگارو در گزارشی که ایسنا آن را منتشر کرده است درباره چگونگی پرداخت پول از سوی معمر قذافی به مزدوران اجیر شده‌اش آورده است: قذافی چگونه‌و از کجا هزینه‌های مورد نیاز خود را برای پرداخت مزد به مزدوران افریقایی‌اش تأمین می‌کند؟ قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل نسبت به استفاده‌های سیستماتیک آنها ابراز نگرانی کرده است و مشاهدات متعدد آنها را تأیید می‌کنند. پس از شکست نیروهای نظامی تیپ ۳۲ ارتش متعلق به خمیس قذافی، پسر رهبر لیبی که مورد حمله هوایی نیروهای ائتلاف قرار گرفتند، معمر قذافی ترجیح می‌دهد بخش عظیم نیروهای ویژه‌اش را در طرابلس نگه دارد و مزدورانی را که از افریقا به استخدام در آورده است هر چه بیشتر به جبهه جنگ بفرستد. منابع اطلاعاتی لیبی تأیید می‌کنند که این مزدوران قیمت بالایی دارند و به ازای هر نفر و روز روز صدها دلار باید به آنها به صورت نقدی پرداخت شود. به رغم توقیف شدن دارایی‌های رهبر لیبی توسط جامعه بین‌المللی ظاهر امعر قذافی هیچ مشکلی در یافتن مبالغ مورد نیازش ندارد. در ابتدا پیش از هر چیز ذخایر پولی و لی به صورت اسکناس وجود دارد. آنها ذخایر عظیمی هستند. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از یک منبع نزدیک به دولت لیبی گزارش داده است که قذافی در اقامتگاه باب‌الغزیز به‌اش در طرابلس ده‌ها میلیارد دلار در اختیار دارد. این رقم نجومی چندان تعجب‌آور نیست. پیش از بحران کنونی، لیبی بین ۱/۶ و ۱/۸ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد. معمر قذافی از سال ۲۰۰۳ یعنی زمان بازگشت مشروعیت بین‌المللی وی و از سرگیری تولید نفت لیبی با ضرب‌آهنگ عادی شروع به نقد کردن بخشی از فروش‌های نفتی کرد. رهبر لیبی می‌دانست که روزی تحریم‌ها بار دیگر علیه‌وی اعمال خواهد شد. ویلیام بوردون، وکیل فرانسوی انجمن شربا پسر او رد می‌کند که بخش مهمی از درآمد‌های نفتی مستقیماً توسط قذافی و خانواده‌اش تصاحب می‌شود. انجمن وی با سازمان شفاف‌سازی بین‌الملل در فرانسه به طور مشترک از رهبر لیبی در پاریس شکایت کرده‌اند. موضوع شکایت آنها پول‌هایی است که توسط قذافی، همسر و پسرانش به یغما برده شده است. بوردون اظهار کرد: قذافی جزو نخستین رهبرانی است که فهمیده است چگونه از جهانی‌سازی اقتصادی بهره‌برداری کند. لیبی با استفاده از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و همین‌طور سرمایه حکومتی خود، از لندن به منظور سرمایه‌گذاری استفاده زیادی کرده است و از رم پایتخت ایتالیا نیز به منظور جلب مشارکت شرکت‌ها سود جسته است. اما با وجود این متمایز ساختن بودجه‌های عمومی و دارایی‌های شخصی امر آسانی نیست. از طرفی پول عمومی کشور لیبی وجود دارد که می‌بایست بلوکه شود و از طرف دیگر پول‌های و مجازات‌های کیفری را در پی دارد. اما ویلیام بوردون عقیده دارد که گاهی این دوسبیار به هم نزدیک می‌شوند. در همه موارد اما این پول‌ها و دارایی‌ها اغلب به علت اراده و خواست شورانه دولت‌ها همچنان به جریان خود ادامه می‌دهد. بوردون، ایتالیا را در این زمینه به پنهانکاری متهم می‌کند. لیبی ماموران مخفی متعددی در سرتاسر دنیا دارد که همواره در حال چرخ زدن در دنیا هستند و چندان‌های پول نقد را به جاهای دیگر منتقل می‌کنند. مطبوعات بلژیک اعلام کرده‌اند که حساب‌های لیبی در این کشور به کشورهای چاد و سودان منتقل شده‌است. علاوه بر همه اینها، برآورد منابع و دارایی‌های نقدی قذافی با یک علامت سؤال بزرگ روبه‌رو است؛ چه میزان و چند میلیون بشکه نفت لیبی به طور مخفیانه و سری فروخته می‌شود؟ سازمان ملل حکومت لیبی را به ارایه آمار غلط در اعداد رسمی اعلام شده درباره تولیدنفت متهم می‌کند و واقعیت آن را بالاتر از این آمار رسمی عنوان می‌کند. میلیون‌ها بشکه نفت لیبی توسط قذافی و اطرافیش به‌طور قاچاق معامله شده است تا بدین وسیله یک بودجه عظیم جنگی مهیا شود. این شیوه‌او درآمدها، پرداخت پول و مواجب را به موج غلبه‌یی از مزدوران به خدمت گرفته شده توسط لیبی امکان‌پذیر می‌سازد. علی‌زیدان، یکی از اعضای شورای ملی انتقالی لیبی گفت، این مزدوران چیزی حدود ۲۵ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که بخشی از آنها نقش افرینان درگیری‌های سابق در افریقا بوده‌اند که توسط قذافی پشتیبانی می‌شدند. قبیل از درگیری‌های کنونی، مزدوران سیرالئون، لیبی‌ریایی، توگویی، نیجریه‌ای و مزدورانی از کشور مالی با ارتش لیبی ادغام شدند. اما عده‌ای دیگر نیز پس از در گرفتن جنگ‌وارد لیبی شدند که عمدتاً از کشور چاد به لیبی آمده‌اند. در حالی که ادریس دبی، رئیس‌جمهور چاد نیز عناصر برگزیده‌ای از گارد جمهوری خواه این کشور را به لیبی فرستاد و طبق اظهارات احمد بئی، یکی از سخنگوهای نظامیان مخالف لیبی، این مزدوران کار آمووده حتی در مکان‌هایی رهبری عملیات‌های نیروهای وفادار به قذافی را نیز به عهده گرفته‌اند و تاکنیک جدید نیروهای قذافی که به شیوه چاد اعمال می‌شود بدین خاطر است. در این تاکتیک آنها حملات سریعی را با استفاده از وانت‌های توپو تا ترتیب می‌دهند. این سخنگوی مخالفان اظهار داشت: اینکه ما روز چهارشنبه گذشته مجبور به عقب‌نشینی شدیم بدین خاطر بود که ما خود را در مواجهه با هزاران تن از عناصر گارد جمهوری خواه جمهوری چاد می‌دیدیم.

گروه جهان: بروز انقلاب

در کشوری چون مصر به جز تحولاتی را که در حوزه سیاسی پدید می‌آورد تأثیری انکارناپذیری بر عرصه‌های فرهنگی و مذهبی این کشورخواهد داشت. دراین میان دانشگاه اسلامی الازهر در روزهای پایانی دولت مبارک از یک سو تلاش می‌کرد تا هوای مردم را داشته باشد و از سوی دیگر هوای حکومت و به همین دلیل دچار تناقض عجیبی شده بود. اکنون که آب‌ها از آسیاب افتاده برای بررسی موضوع الازهر و ریشه‌یابی این تناقضات فرصت و مجالی پیدا شده است. آنچه را می‌خوانید خلاصه ترجمه گزارشی در این‌باره است که روزنامه الشرق الاوسط آن را منتشر کرد.

■ ■ ■

موضع‌گیری الازهر در برابر حوادث مربوط به انقلاب مصر اختلافات شدیدی را بین علمای دینی این کشور برانگیخته است. درحالی که برخی معتقدند الازهر در وظایف خود کوتاهی نکرده دیگران وابستگی مالی و اداری این نهاد به دولت را عاملی می‌دانند که موجب تسلیم این نهاد به دولت شده و می‌گویند با انتخاب رییس جدید (شیخ احمد الطیب) انتظاراتی می‌رفت اما در نهایت به پاس تبدیل شد و وی نیز به یک کارمنددولت مبدل گشت.

دکتر «عبدالرحمان البر» یک استاد در دانشگاه الازهر می‌گوید: غالباً عملکرد الازهر را در چهره اشخاص می‌بینند و آنها را نماینده این نهاد به حساب می‌آورند. بنابراین اگر حرف خاصی زدن آن را به پای الازهر می‌گذارند در صورتی که الازهر فراتر از این افراد و اشخاص است. روحانیون بسیاری در مصر هستند که خود را جزو الازهر می‌دانند. تعداد زیادی از آنها در حوادث انقلاب مصر و میدان التحریر شرکت داشتند و نادیده گرفتن این مسایل ظلم و ستم در حق الازهر خواهد بود. هر کس بخواهد مواضع الازهر را بفهمد نباید فقط روی مواضع رسمی آن تمرکز کند زیرا همه ازهری‌ها دارای مواضع خاص خودشان هستند و در اعلام این مواضع منتظر اشاره شیخ الازهر نمی‌مانند. در همین رابطه شیخ سالم عبدالجلیل، مسوول وزارت اوقاف مصری می‌گوید: در حال حاضر نقش الازهر بیشتر آموزشی است. پیش از انقلاب جولای ۱۹۵۲ الازهر نقش وسیع‌تری داشت. یعنی شرایط برای ایفای یک نقش سیاسی آماده بود. پس از انقلاب ۱۹۵۲ الازهر به حاشیه رانده شد و تلاش گردید که هیچ گونه نقشی در سیاست نداشته باشد و این امر برای مدت‌ها استمرار پیدا کرد. تعیین شیخ الازهر از سوی دولت باعث شد تا الازهر نتواند دیگر به صورت یک نهاد مستقل ایفای نقش کند. برای اینکه نقش الازهر بازهم بیشتر کاسته شود دارالافتا را تاسیس

گروه جهان:

بسیاری درباره مصر پس از انقلاب اخیرش می‌پرسند و آنچه را می‌بینند چیزی نیست جز خلا امتیعی که در خیابان‌ها، شهرها، محلات و حتی نهاد‌های حکومتی خود را نشان می‌دهد به اضافه ادامه تظاهرات‌های گروهی که تعطیل‌کننده مصالح عمومی و متوقف‌کننده چرخ‌های تولیدی است. سران نظامی که راس آنها قطع شده همچنان اینجا و آنجا حضور دارند.

تصمیم‌گیری‌هایی که به دلیل کندی همچنان باقی می‌مانند و رییس دولتی که به یمن انقلاب و از همان میدان التحریر بر این صندلی نشست بدون اینکه هنوز توانسته باشد آرمان‌هایی را تحقق دهد که مردم بر گردنش گذاشته‌اند و خود را هم یکی از آنان می‌دانست. مردم به رسانه‌ها نگاه می‌کنند که مملو از بحث‌ها و جدل‌هاست. کسانی که در آنها می‌کوشند به صورتی تلمیحی و نه صریح انقلاب را از اساس انکار کنند و کسان دیگری که در معرض اتهام انقلابیون قرار داشته و به مزدوری بیگانگان و طرف‌های خارجی متهم بودند سعی می‌کنند از این فرصت استفاده کرده و بر قطار انقلاب سوار شوند.

برخی از کسانی که در این انقلاب شرکت داشتند و برای آن فداکاری کردند به‌خصوص مصری‌هایی که خارج بودند از این نگران هستند که انقلاب برنام‌ه‌ای برای نحوه اداره حکومت در مرحله آینده ندارد و همین مساله موجب شد تا هر گروهی یافردی تمایلات خود را بر دیگران تحمیل کند. این روزها مساجد و تکایا رونق تازه‌ای گرفته‌اند و در آن بحث‌های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر موج می‌زند.

کردند تا وظایف الازهر را تقسیم کنند. به این ترتیب وظایف مفتی ریاست جمهوری و شیخ الازهر تقسیم شد و بین آنان اختلافاتی به وجود آمد که در دوران دکتر محمد سید طنطاوی نیز مشهود بود.

شیخ عبدالجلیل در مورد نقش الازهر در انقلاب اخیر می‌گوید: زمانی که انقلاب مصر رخ داد الازهر با روحانیونش به طور کلی مصوری از این ماجرا نداشتند و طبعاً در این حوادث نیز نقش زیادی نداشتند. اگر کسانی از سلفی‌ها یا روحانیون وابسته به اخوان المسلمین در این حوادث نقش داشتند به نام الازهر نبوده است. درست است که آنان نیز لباس روحانیت پوشیده بودند. اما سخنگوی الازهر نبودند. به هر حال معلوم بود که الازهر به عنوان یک نهاد رسمی در کنار قدرت کشور بایستد. شیخ الازهر

بیشتر آموزش است. پیش از انقلاب جولای ۱۹۵۲ الازهر نقش وسیع‌تری داشت. یعنی شرایط برای ایفای یک نقش سیاسی آماده بود. پس از انقلاب ۱۹۵۲ الازهر به حاشیه رانده شد و تلاش گردید که هیچ گونه نقشی در سیاست نداشته باشد و این امر برای مدت‌ها استمرار پیدا کرد. تعیین شیخ الازهر از سوی دولت باعث شد تا الازهر نتواند دیگر به صورت یک نهاد مستقل ایفای نقش کند. برای اینکه نقش الازهر بازهم بیشتر کاسته شود دارالافتا را تاسیس

جهان

تاثیر انقلاب مصر بر «الازهر»



نقش الازهر در میان مردم به خاطر مشغول شدن روحانیون به شیوه‌های سنتی در وعظ و خطابه است بدون اینکه در این شیوه‌ها تغییری به وجود آورند. در عوض سلفی‌ها یا روحانیون جدید وارد قلمروهای جدیدی شده‌اند و از آنان پیشی گرفته‌اند. این مساله در نقش سیاسی آنان نیز تأثیر گذار بوده است. برای این می‌بینیم که در مقایسه با گذشته دیگر نقش پیشتازی ندارند. در آن دوران الازهر پناهگاه مردم و منشاء انقلاب‌ها بود. به اعتقاد این استاد فلسفه نیز زمانی از اهمیت الازهر کاسته شد که رییس آن را دولت تعیین کرد. در ادامه او می‌افزاید: یادم است جمل‌های را از محمدسید طنطاوی شیخ پیشین الازهر شنیدم که می‌گفت من کارمند دولت هستم. این عبارت را زمانی می‌گفت که مساله‌ای

زمانی که انقلاب مصر رخ داد الازهر با روحانیونش به طور کلی مصوری از این ماجرا نداشتند و طبعاً در این حوادث نیز نقش زیادی نداشتند. اگر کسانی از سلفی‌ها یا روحانیون وابسته به اخوان المسلمین در این حوادث نقش داشتند به نام الازهر نبوده است. درست است که آنان نیز لباس روحانیت پوشیده بودند اما سخنگوی الازهر نبودند

فقهی را با او در میان می‌گذاشتند و او باید طبق دستورات نظام چیز دیگری را بیان می‌کرد. آمنة نصیر می‌افزاید: من از هفت سال پیش می‌گفتم که شیخ الازهر باید از بین شایسته‌ترین علما در شرق و غرب برگزیده شود تا در خور لقب امام المسلمین باشد. در همین رابطه دکتر محمد عبدالمنعم البری، رییس جبهه علمای الازهر می‌گوید: ما به خاطر فقدان آزادی در داخل الازهر نمی‌توانستیم آرای مستقل دینی خود را ابراز کنیم. وی می‌افزاید: تغییر

در الازهر جز با کنار گذاشتن رهبران کنونی و آوردن کسانی که با پیام اسلام و قرآن آشنایی داشته باشند امکان‌پذیر نیست. شیخ الازهر باید از بین رهبران شریف و امین دینی برگزیده شود. به گفته او این جبهه از حوادث مصر دور نبوده و در بسیاری از مسایل سیاسی و اجتماعی دخالت کرده که یک نمونه آن محکومیت ممنوع کردن زنان محجبه از وارد شدن به دانشگاه‌ها یا در تلویزیون بود. دکتر البری می‌گوید: در پی سقوط رژیم مبارک این جبهه بیانیه‌ای را صادر کرد و به ملت تبریک گفت و از مصری‌ها خواست همه با هم صفحه جدیدی را در اطاعت از خداوند عزوجل آغاز کنند.

از سوی دیگر دکتر محمد رافت عثمان، مسوول دانشکده شریعت و قانون سابق در دانشگاه الازهر با دفاع از عملکرد الازهر می‌گوید: الازهر در پیگیری حوادث کوتاهی نکرد و مواضعش روشن بود. یکی از بارزترین نشانه‌های مشارکت الازهر در تحولات اخیر مصر، مشارکت سخنگوی رسمی آن محمد رفاعه طهطاوی بود که به صورت شخصی در تظاهرات مردم در میدان التحریر حضور یافت. از آن گذشته فردی که در جمعه بعد از سرنگونی در میدان التحریر نماز خواند شیخ یوسف القرضاوی بود که یکی از فرزندان الازهر است. همچنین تعداد دیگری از روحانیون الازهر که در تظاهرات میدان التحریر شرکت کردند، نشان می‌دهد که الازهر پشتیبان انقلاب بوده است نه نظام. دکتر عثمان می‌گوید: الازهر در گذشته دچار ضعف شده بود اما در حال باز یافتن قدرت خود است. البته این مساله‌ای است که به زمان نیاز دارد و یک دفعه نمی‌شود. در این رابطه غالب ازهری‌ها از اقدامات دکتر احمد الطیب برای اصلاح امور این نهاد حمایت می‌کنند. به گزارش الشرق الاوسط، همه این دیدگاه‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که شورای عالی الازهر با صدور بیانیه‌ای گفته است: با توجه به دیدگاه‌هایی که اخیراً در خارج از الازهر و از سوی کسانی که در این نهاد سهمی ندارند مطرح می‌شود و این موسسه را مورد نقد قرار می‌دهد این شورا اعلام می‌کند الازهر همواره در بین علمای اهل عمل جایگاهی ویژه داشته است و آنها به خوبی می‌دانند که چگونه باید این موسسه را اداره کنند یا توسعه دهند. این بیانیه می‌افزاید: شورای عالی الازهر از همه مطبوعات و رسانه‌ها می‌خواهد در نوشته یا گفته‌های خود پیرامون الازهر و مقاماتش حقیقت را رعایت کنند زیرا این نهاد جایگاه یک مرجعیت علمی و اسلامی بزرگ را دارد و پیام دینی و فرهنگی خود را که مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی است باید بدون تعصب یا سیاسی‌کاری به سراسر جهان ابلاغ می‌کند.

گزارش

جزییات تازه از زندگی دیکتاتور لیبی افشاکشی بر ستار قذافی



■ یک روزنامه روسی نوشت: به نظر می‌رسد پرستارهای اوکراینی که سال‌ها برای قذافی کار می‌کرده‌اند همچنان به وی دل بستگی دارند چون هرگز نمی‌توانند از کنار هداپایسی که دیکتاتور لیبی گرفته‌اند به سادگی بگذرند. به گزارش خبرگزاری مهر، پیش از این رسانه‌های جمعی گفت‌وگوهایی با «گالینا کولونتسکا» یکی از پرستاران مشهور قذافی انجام داده بودند که گفته می‌شد او کراینی است اما اطلاعات جدید خلاف این ادعاها را ثابت می‌کند. روز گذشته «اوکسانا بالینسکایا» یکی دیگر پرستاران اوکراینی قذافی که به تازگی لیبی را ترک کرده در گفت‌وگو با روزنامه روسی «کومسومولسکایا گاز تا» جزئیات تازه از زندگی دیکتاتور لیبی در اختیار قرار داد.

بالینسکایا با ساعت ایتالیایی هدیه گرفته از قذافی

وی در این‌باره اظهار داشت: هر سال در سالگرد رسیدن قذافی به قدرت در لیبی (ماه سپتامبر) تمامی کارمندان ساعت طلای ایتالیایی از وی هدیه می‌گرفتند که روی آن تصویر قذافی نقش بسته بود. این پرستار اوکراینی در ادامه تأکید کرد: قذافی در مجموع شش پرستار اوکراینی داشت که تمامی آنها چند روز پیش به کشور بازگشتند. البته بر خلاف آنچه منتشر شده «گالینا کولونتسکا» پرستار اصلی قذافی اوکراینی نیست و یک زن صرب است که نامش هم «دراگا» است. بالینسکایا که دو سال پرستار دیکتاتور لیبی بوده در ساره سفرهای هوایی بر طمطراق و پر تعداد قذافی هم اظهار داشت: به همراه هواپیمای اصلی حامل وی دو فرزند هواپیمای دیگر نیز بودند که اولی حامل لباس‌ها و اثاثیه وی بود و دومی خودروهای قذافی را حمل می‌کرد. این پرستار اوکراینی که در اظهاراتش قذافی را «بابا» صدا می‌کرد، در ادامه افزود: زمانی که به نیویورک وارد شدیم بابا دستور داد به ما پول بدهند تا از فروشگاه‌ها خرید کنیم.

وی همچنین شایعه بیماری قلبی قذافی را رد کرده و تأکید کرد: با وجود اینکه سن و سال قذافی بالاست اما همچنان از وضعیت سلامتی بسیار خوبی بهره می‌برد. قذافی گوشت شتر و گوسفند را دوست دارد و مانند تمامی مردم لیبی غذاهای ایتالیایی به ویژه پاستا را می‌پسندد.

البر ادعی: سقوط مبارک رخداد الهی بود

■ یکی از سیاستمداران مطرح مصر با تأکید بر اینکه سقوط مبارک یک رخداد الهی بود گفت: انقلاب مصر هنوز کامل نشده و کشور دوره حساس و پیچیده‌ای را می‌گذراند. به گزارش مهر، «محمد البرادعی» در گفت‌وگو با روزنامه اتریشی «دی پرس» در پاسخ به این پرسش که شما تا چه حد از پیشرفت‌های رخ داده بعد از سقوط مبارک در مصر راضی هستید اظهار داشت: من طبیعتاً بیشتر از این راضی هستم که مبارک دیگر در راس حکومت مان نیست، این یک رخداد الهی بود. در فرهنگ ترس و اختناقی که مدت ۳۰ سال استبداد در کشور ما جافاده بود، هیچ‌کس انتظار سقوط با این سرعت بالای حکومت دیکتاتوری را نداشت. بعد از سقوط مبارک، مردم م‌ا امیدها و انتظارات بالایی را دنبال می‌کنند. من یک چهار چوب شفاف برای پیشرفت‌های سیاسی در کشورم را از روی می‌کنم.

البرادعی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با تأکید بر اینکه اولین قدم منطقی در کشور ما این است که یک قلمرو اساسی جدید نوشته شود و بعد انتخابات برگزار شود. همچنین تأکید کرد: مردم مادامیگ نمی‌خواهند ارتش بر آنها حکومت کند، ارتش هم خود می‌فهمد که دیگر مردم حاکمیت آنها را نمی‌خواهند.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: ما زمانی می‌توانیم به اهدافمان دست یابیم که رژیم سابق را که هنوز در صحنه است مغلوب خود کنیم. انقلاب ما هنوز کامل نشده، البته برخی از رده‌های درجه دوی رژیم مبارک به دلیل فساد دستگیر شده‌اند اما وبستانگن درجه اول دیکتاتور فرار کرده‌اند. البرادعی در پاسخ به این پرسش که خطر بپا خواستن گروه‌های ضدانقلاب در مصر تا چه حد است اظهار داشت: عموماً یک گروه سازماندهی شده وجود دارند که می‌خواهند انقلاب را متزلزل کرده و نشان دهند دموکراسی هرج و مرجی بیش نیست. وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: ما یک دوره حساس و پیچیده را می‌گذرانیم. شرایط می‌تواند خیلی بدتر پیش‌رود یا در مسیر درست قرار گیرد. برقراری دموکراسی در یک کشور نیاز به زمان دارد و شما نباید انتظار داشته باشید که مصر یک‌شنبه به نروژ تبدیل شود. البرادعی در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره نامزد شدنش برای انتخابات ریاست جمهوری مصر خاطر نشان کرد: مردم مصر می‌توانند من یا عمر وموسی را انتخاب کنند. من تکلیف خود می‌دانم که مفهوم دموکراسی را به انسان‌ها اعلام کنم. اینکه من در این انتخابات برنده شوم یا نه اصلاً مهم نیست.

منبع:الحيات

